

سرکوفت زدن به مردان بیکار، شکل پنهان خشونت خانگی

Photo: GoodStudio/www.shutterstock.com

فهیمة خضرحیدری

در میان انواع خشونت خانگی که پشت درهای بسته خانه‌ها اعمال می‌شود، خشونت با عضو بیکار یا بیکار شده خانواده موضوعی است که اغلب کمتر از آن حرف زده شده یا اصلاً به رسمیت شناخته شده است.

خشونت علیه عضو بیکار خانواده اما نه تنها وجود دارد، بلکه شاید بتوان گفت با افزایش فشارهای اقتصادی در سال‌های اخیر رشد بیشتری هم داشته.

می‌توان تصور کرد که افزایش آمار بیکاری هر سال افراد بیشتری را در شرایط ناامن اقتصادی و در نتیجه در موقعیت ضعف و آسیب‌دیدگی از جمله پشت درهای بسته خانه‌ها قرار می‌دهد. مرکز آمار ایران در پاییز سال گذشته آمار بیکاری را حدود ۲۱ درصد اعلام کرد، آماري که البته گزارش‌های غیررسمی آن را بسیار پایین‌تر از آمار واقعی می‌دانند.

کمی پیش‌تر در آخرین ماه سال ۶۹۳۱، مرکز آمار ایران تعداد بیکاران مطلق را بیش از سه میلیون و ۰۰۲ هزار نفر اعلام کرده بود.

افزایش بیکاری در ایران شاید تنها چیزی است که همه گزارش‌های مستقل و دولتی بر سر آن توافق دارند. به گفته وزیر کشور ایران بیکاری در بعضی شهرهای کشور به ۰۶ درصد رسیده است. سال‌هاست که استان‌هایی مثل کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و سیستان و بلوچستان در صدر فهرست بیکاری در ایران قرار دارند.

مردان به مثابه ماشین خودپرداز!

سویه دیگر نابرابری جنسیتی و مردسالاری در جوامع، شکل‌گیری انتظارات سنگین و گاه ورای توانایی فردی در اطراف مردان است. مردسالاری از این زاویه تنها علیه زنان کار نمی‌کند بلکه در برخورد با واقعیت‌های سخت زندگی اجتماعی، کمانه کرده و به سوی طرفی که سالار فرض می‌شود - در اینجا مردان - هم باز می‌گردد.

از جمله قواعد مردسالاری قرار دادن مردان در جایگاه رییس و یگانه «نان‌آور» نهاد خانواده است. جایگاهی که البته حقوق و امتیازات نابرابر فراوانی را در اختیار مردان قرار می‌دهد اما فشار بسیاری را هم بر دوش آنها می‌گذارد. این فشار مخصوصاً در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی تشدید می‌شود و گاه حتا مردان را زیر بار سنگین خود له می‌کند.

بیشتر بخوانید:

قربانیان خشم و ناموس

ترین شکل خشونت خانگی (بخش اول)، خشن «قتل ناموسی»

بیکار شدن مرد خانواده علاوه بر بی‌پول شدن، اغلب او را بی‌اعتبار هم می‌کند و فشارهای هنجارهای اجتماعی شکل گرفته در جامعه مردسالار به اندازه‌ای شدید است که می‌تواند مرد بیکار شده را بی‌رحمانه از پا درآورد.

در چنین فضایی در بسیاری از خانواده‌ها ای بسا به مردان به عنوان دستگاہ خودپرداز نگاه می‌شود. مردان تا زمانی اعتبار و اهمیت و نقش دارند که قادر به تأمین نیازهای اقتصادی خانواده هستند. گاه خانواده پرجمعیت تنها به شغل و درآمد یک عضو که مرد خانواده باشد وابسته است و بیکار شدن این عضو نظام خانواده را به خطر می‌اندازد. نکته اما اینجاست که مرد هر خانواده هم همان میزان فشار اقتصادی را تحمل می‌کند که سایر اعضای خانواده و جامعه.

بیکاری و فشارهای ناشی از آن اغلب همبستگی میان زن و شوهر و همین‌طور مرد و فرزندان خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد بیکار شدن مردان از مهم‌ترین دلایل طلاق و ازهم‌پاشیدگی خانواده‌هاست. در حالی که مرد خانواده، حتا با فرض پذیرش نقش دائمی نان‌آور خانه بودن هم به هنگام مشکلات و رویارویی با بحرانی مثل بیکاری به همراهی، حمایت، درک و پشتیبانی نیاز دارد نه به تحقیر، به حاشیه رانده شدن و فشار بیشتر از سوی همسر و فرزندان.

از جمله راه‌حلی‌هایی که برای تغییر ساختار نابرابر خانواده در ایران داده می‌شود، تحقق برابری است. برابری در معنای برابری حقوق و وظایف. زنان و مردان و حتی فرزندان در جوامعی که نهاد خانواده برابری دارند، همگی مسئول تأمین نیازهای اقتصادی خود و خانواده‌اند و اقتصاد خانواده تنها متکی بر نیروی کار مردان نیست. به این ترتیب نه مردان می‌توانند با در دست داشتن انحصاری قدرت اقتصادی، زنان و فرزندان خود را مستبدانه در کنترل بگیرند و نه زنان و فرزندان به همسر و پدر خود به عنوان دستگاه خودپرذاری نگاه می‌کنند که اگر روزی خالی بود، ارزش خود را از دست بدهد.

بیکاری مردان و افسردگی

مطالعات نشان می‌دهد در دوره‌های احتمالی بیکاری، سلامت روان مردان بیش از زنان تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

بر اساس نظرسنجی مرکز آماردهی وزارت کار که ۱۱ هزار مرد در آن شرکت کرده‌اند، یک چهارم مردان شرکت‌کننده (حدود ۴۲ درصد) که تجربه بیکاری داشته‌اند، مرحله‌ای از افسردگی را گزارش کرده‌اند در حالی که تنها ۳۱ درصد از مردان شرکت‌کننده شاغل برای مدتی افسردگی داشته‌اند.

بر اساس **همین گزارش** هر چه طول مدت بیکاری بیشتر باشد، میزان و علائم افسردگی هم تشدید می‌شود. بیکاری و فقر، دو عامل جدی و مهم افسردگی مردان **شناخته شده‌اند**.

از طرفی مطالعات نشان می‌دهد بیکاری خطر افسردگی را در مردان بیش از زنان بالا می‌برد. ۵۴ درصد مردان حتی با از دست دادن کارشان با خطر از دست دادن سلامت روان خود هم روبه‌رو هستند.

مردانی که کار خود را از دست داده‌اند اغلب با کاهش اعتماد به نفس و از دست دادن احساس مفید بودن روبه‌رو می‌شوند و رفتار غیرصمیمانه و ناهمدلانه اعضای خانواده هم که ممکن است زندگی روزمره‌شان به دلیل بیکار شدن مرد خانواده دست‌خوش تغییراتی شده باشد، این بحران را برای مردان تشدید می‌کند.

بحرانی به نام فرزندان جوان بیکار!

اما همیشه هم تحقیر و خشونت علیه عضو بیکار یا بیکار شده خانواده به پدر محدود نمی‌شود. اتفاقاً در موارد متعدد این بیکاری جوانان فارغ‌التحصیل در خانواده است که هم بار سنگینی بر دوش خانواده می‌گذارد و هم سبب بروز خشونت پشت درهای بسته خانه‌ها می‌شود.

مرکز آمار ایران **می‌گوید** بیش از ۰۴ درصد از بیکاران، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هستند. در بسیاری از خانواده‌ها دختر یا پسری را می‌توان دید که به دانشگاه رفته، درس خوانده و حالا بیکار یا جویای کار است.

سرزنش و تحقیر و به حاشیه راندن، رفتاری است که ممکن است منتظر این گروه از جوانان هم باشد. مرکز آمار ایران نرخ بیکاری جوانان ۵۱ تا ۹۲ ساله را نزدیک به ۴۲ درصد **اعلام کرده است**.

پرسش اینجاست که وقتی بیکاری در کنار تورم از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی کشور است، سرزنش و تحقیر عضوی از خانواده که موفق به پیدا کردن شغلی برای خود نمی‌شود چه نتیجه‌ای در بر خواهد داشت؟

آیا جز تشدید درگیری‌ها و خشونت در خانواده یا افسردگی و گوشه‌گیری فرد بیکار، نتیجه دیگری هم در کار خواهد بود؟

اگر تاکنون عضو کانال تلگرام خانه امن نشده‌اید، کلیک کنید.

رفتار همدلانه با بیکاری یک عضو خانواده چه رفتاری است؟

یک عضو خانواده بیکار شده. فرض کنیم پدری که تنها نان‌آور خانواده هم هست. در این صورت اگر نخواهیم به چرخه باطل خشونت در خانواده و ناامن کردن خانه بیونیدیم چه رفتاری می‌توانیم در پیش بگیریم؟ رفتار همدلانه در این موقعیت چه گونه رفتاری است؟

پذیرش مشکل یک عضو خانواده به عنوان مشکل همه اعضا شاید گام اول باشد. در گام بعدی، اعضای خانواده به جای توقع و غرغر و تحقیر فرد بیکار، می‌توانند به او در برنامه‌ریزی برای پیدا کردن کاری جدید کمک کنند. می‌توان به فرد بیکار شده یادآوری کرد که این یک دوره موقت است و او حتماً بار دیگر کاری پیدا خواهد کرد.

از طرفی اگر سایر اعضای خانواده درآمندی دارند و زندگی را اداره می‌کنند، خوب است که از سرکوفت زدن و منت گذاشتن بر سر عضوی - در اینجا پدر- که حالا بیکار شده پرهیز کنند. یادمان باشد که سرکوفت زدن و توهین و تحقیر و نیش و کنایه و منت گذاشتن می‌تواند از زنده‌ترین اشکال خشونت در نهاد خانواده باشد.

بیکاری دوره‌ای اتفاقی است که مخصوصاً ممکن است در جوامع درگیر بحران‌های اقتصادی - از جمله ایران - بیفتد. این که نهاد خانواده چه مواجهه‌ای با این بحران داشته باشد تعیین‌کننده امنیت یا ناامنی چهاردیواری است که به اسم خانه می‌شناسیم‌اش.